

قائم مقام الهی در روی زمین

حضرت ولی امرالله

ترجمه شده



قائم مقام الهی در روی زمین

این بیانات چه خاطراتی بر میانگیزد. چه مبادی سامیه ئی تعلیم میدهد. چه امیدواریهائی تولید میکند. چه بیم و هراسهائی بوجود میآورد. در عین حالی که بیانات فوق متناسب منظور اصلی این صحیفه اقتباس شده در مقام مقایسه با عظمت سیل آسائی که از تلاوت تمام بیانات مبارکه مکشوف میگردد چقدر کوچک و اندک میباشد.

آنکسی که قائم مقام الهی در روی زمین بود همینکه در بحبوحه اعلان امر خود بکسانیکه تمام عظمت و جلال و سلطنت و شکوه و قدرت و تسلط ظاهری را در شخص خود جمع کرده اند خطاب میکند ذره از اهمیت و قدرتیکه مستلزم این ظهور تاریخی است فرو گذار نینماید. نه خطراتی که او را احاطه کرده بود و نه قدرت جابر سلطنت مطلقه پادشاهان غرب و امراً سلاطین شرق در آن ایام هیچیک نتوانست آن تبعید شده زندانی ادرنه را از ابلاغ ظهور تام و تمام خود بدو پادشاه ستمگر شرق و سایر سلاطین همدیف آنها باز دارد.

همینه و تنوع بیانات و قاطعیت استدلال و عظمت و شہامت لحن آنها حقیقه جالب انظار و محیر عقول است سلاطین و پادشاهان و امراً و وزراً و سفراً و شخص پاپ و اساقفه و کشیشها و فلاسفه و علماً و وکلاً و نمایندگان مجالس و اغنیای ارض و پیروان تمام ادیان و اهل بها کلاً مشمول این خطابات عالیہ گردیده و هریک بفراخور استعداد و قابلیت خویش نصائح و مواعظی دریافت میدارند. تنوع موضوعاتی که در این الواح بحث شده خود حیرت انگیز است. در این الواح عظمت مهیمه و توحید حق منیع لایدرک توصیف گردیده و وحدانیت مظاهر امرش اعلان و تاکید گردیده است. بدعیت و جامعیت و قوای مکنونه دیانت بهائی تاکید و مراد و مقصد ظهور حضرت باب تشریح شده است. مفهوم و مقصود بلایا و سرگونی حضرت بهاءالله مکشوف و محن و رزایائی که بر مبشر ظهورش و همچنین بر سمیش وارد گردیده بقلم اعلی مذکور و نوحه سرائی شده است. آرزوی آنحضرت برای تاج شہادت که آندو وجود مقدس بنحوی محیر العقول بر سر نهادند آشکار شده و افتخارات غیر قابل وصف و وقایع عجیبه که در آینده برای ظهورش مقدر است پیش بینی گردیده است. وقایع موثره و عجیبه مراحل مختلفه رسالتشان شرح و بسط گردیده و فنای جاه و جلال و ثروت و مال و سلطنت ظاهره به کرات و مرات قطعاً تاکید شده است. اجرای مبادی سامیه در روابط بشریت و بین المللی شدیداً و اکیداً درخواست و ترک رسوم و شعائر نالائفه که مضر بسعادت و ترقی و رفاهیت و وحدت نژاد انسانی است امر شده است. پادشاهان مورد توبیخ قرار گرفته و مقامات روحانی و دیانتی بخاک کشیده شده. وزراً و سفراً محکوم گردیده و تطبیق ظهور خویش را با مجی پدر آسمانی صریحاً تصدیق و بکرات اعلام فرموده است. سقوط قهر آمیز بعضی



TRANSLATION



AUDIO

از این سلاطین و پادشاهان پیش بینی و دو نفر آنها بطور قطع دعوت باحتجاج گردیده و اکثر آنها انذار و جمیع دعوت و دلالت گردیده اند.

در لوح سلطان خطاب بناصرالدین شاه حضرت بهاءالله میفرماید:

”ای کاش رای جهان آرای پادشاهی بر آن قرار میگرفت که این عبد با علای عصر مجتمع میشد و در حضور حضرت سلطان اتیان حجت و برهان مینمود این عبد حاضر و از حق آمل که چنین مجلسی فراهم آید تا حقیقت امر در ساحت حضرت سلطان واضح و لائح گردد و بعد الامر بیدک و انا حاضر تلقاً سریر سلطنتک فاحکم لی او علی“.

بعلاوه در لوح رئیس حضرت بهاءالله با اشاره بمذاکره مامور عثمانی که وظیفه دار اجرای حکم تبعیدشان بقلعه عکا بود چنین مرقوم فرمود:

”یک مطلب خواهش دارم که اگر بتوانی بحضرت سلطان معروض داری که ده دقیقه این غلام با ایشان ملاقات نماید آنچه را دلیل بر صدق قول حق میشمردند بخواهند اگر من عند الله اتیان شد این مظلومانرا رها نمایند و بحال خود بگذارند“.

حضرت بهاءالله در آن لوح اضافه میفرماید:

”عهد نمود که این کلمه را ابلاغ نماید و جواب بفرستد خبری از او نشد و حال آنکه شان حق نیست که بنزد احدی حاضر شود چه که جمیع از برای اطاعت او خلق شده اند و لکن نظر باین اطفال صغیر و جمعی از نساء که همه از یار و دیار دور مانده اند این امر را قبول نمودیم معذک اثری بظهور نرسید عمر حاضر و موجود سوال نمائید لیظهر لکم الصدق“.

در خصوص این الواح خطاب بسلاطین ارض که حضرت عبدالهآ آنها را معجزه نامیده حضرت بهاءالله میفرماید:

”هر کدام باسی موسوم الاول و بالصیحة و الثانی بالقارعة و الثالث بالحاقة و الرابع بالساهرة و الخامس بالطامة و كذلك بالصاخة و الازفة و الفزع الاکبر و الصور و الناقور و امثالها تا جمیع اهل ارض یقین نمایند و ببصر ظاهر و باطن مشاهده کنند که مالک اسماء در هر حال غالب بر کل بریه بوده و خواهد بود . از اول ابداع تا حال چنین تبلیغی جهرة واقع نشده تعالی هذه القدر التي اشرفت و احاطت العالمین و ظهور این عمل از مالک علل دو اثر بخشیده هم سیوف مشرکین را حدید نموده و هم لسان مقبلین را در ذکر و ثنائش ناطق فرموده اینست اثر آن لواحق که در لوح هیکل از قبل نازل شده حال ارض حامله مشهود زود است که اثمار منیعه و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعماً جنیه مشاهده شود تعالت نسمة قیص ربک السبحان قد مرت و احیت طوبی للعارفین و این بسی معلوم و واضح که در این امور سلطان ظهور از برای خود مقصودی نداشته و مع علم بآنکه سبب بلایا و علت رزایا و شدت امور خواهد شد محض عنایت و مرحمت و احیای اموات و اظهار امر مالک اسماء و صفات و نجات من علی الارض از راحت خود چشم پوشیده و حمل نمودیم آنچه را که احدی حمل ننمود و نخواهد نمود“.

حضرت بهاء الله امر فرمود که مهمترین الواحشان که بهر یک از سلاطین منفردا خطاب گردیده بشکل هیکل که نگایه از هیکل انسانی است نوشته شود و در خاتمه کلمات ذیل که اهمیت این رسالات را واضح و ارتباط آنها را با نبوات عهد عتیق بطور مستقیم ثابت میدارد درج گردیده است:

”کذلک عمرنا الهیکل بایادی القدرة و الاقتدار ان کنتم تعلمون هذا لهیکل وعدتم به فی الکتاب تقرّبوا الیه هذا خیر لکم ان کنتم تفقهون انصفوا یا ملأ الارض هذا خیر ام الهیکل الذی بنی من الطین توجهوا الیه کذلک امرتم من لدی الله المهیمن القیوم اتبعوا الامر ثم احمدوا الله ربکم فیما انعم علیکم انه هو الحق لا اله الا هو یظهر ما یشأ بقوله کن فیکون.“

در همین موضوع در لوح دیگری بمومنین حضرت مسیح چنین خطاب فرموده است:

”یا ملأ الابن هر آینه هیکل بایادی مشیت رب مقتدر فضال ساخته شده پس ای قوم شهادت بدهید بانچه میگویم آیا کدام یک ترجیح دارد آنچه از خاک بنا شده یا آنچه بدست پروردگار منزل آیات ساخته شده است؟ این همان هیکلی است که در الواح بشما وعده داده شده و بصدای بلند ندا میکند ای اهل ادیان بشتاید تا بکسیکه مسبب الاسباب است برسید و از هر مشرک مرتابی متابعت ننمائید.“ (ترجمه)

نباید فراموش کرد که سوای این الواح مخصوصه که در آنها سلاطین ارض فردا و جمعا مورد خطاب قرار گرفته اند حضرت بهاء الله الواح عدیده دیگری که لوح رئیس نمونه برجسته از آنهاست نازل فرموده و در آثار کثیره و پر حجم خود در مواضع متعدده چه بنحو مستقیم و چه بطور اشاره بوزراً و حکام و نمایندگان مختار خطاباتی فرموده است. معهذا باین خطابات و اشارات نمیپردازم با همه اهمیتی که دارند نمیتوان آنها را در ردیف خطابات مخصوصه که مظهر ظهور الهی بطور مستقیم بسلاطین و اعظم عصر خطاب فرموده قرار دارد.

یاران عزیز برای تشریح ابلائات گوناگونی که مدت مدید بر موسسین این امر بدیع وارد آمده و دنیا از روی نا سپاسی مقام آنها را نشناخته بحد کافی شرح و بسط داده شد و نیز درباره رسالات و سلاطین و روسای ملل که در ضمن فرمانروائی بیقید و شرط خود بر طبق میل و دلتخواه این مصائب و بلایا را باعث شده و یا آنانیکه در اوج اقتدار خود میتوانستند قیام بر تخفیف اثرات و یا تبدیل جریان سریع آن نمایند بحد کافی عطف توجه نمودیم اکنون بینیم چه نتایجی بر آنها مترتب گردید؟ چنانچه در پیش گفتم عکس العملی که سلاطین در مقابل از خود بروز دادند مختلف و روش و جریان وقایع بتدریج نتایج وخیمه آنرا مشهود ساخت. یکی از بزرگترین سلاطین خطابات الهی را با بی احترامی و خشونت تلقی و بوسیله یکی از وزراً خود جوابی گستاخانه بطور اختصار نوشت. دیگری حامل لوح را بانواع زجر و شکنجه معذب و با داغ و عقاب شهید نمود دیگران سکوت تحقیر آمیز را بر جواب ترجیح دادند بطور کلی هیچ یک موفق نشدند که بر حسب وظیفه بنصرت قیام نمایند. بخصوص دو تایی از آنها صاعقه بیم و غضب را بر امری که تصمیم بقلع و قمع آن داشتند وارد ساختند یکی از آنان زندانی ملکوتی را بحبس دیگری محکوم و بخلی که ”اقبحها صورة واردتها هوأ و انتها مأ“ بود تبعید گردانید و دیگری که مصدر اصلی دیانت مغضوب را در دسترس خود نیافت پیروان آن حضرت را که در تحت تسلط او بود مورد ظلم و پیداد سبعانه و فجیع قرار میداد شرح بلاایای وارده بر حضرت بهاء الله که در آن الواح مندرج بود رحم و شفقتی در قلوب آنان ایجاد نمود و دعوتهای آنحضرت که در تاریخ دیانت مسیح و حتی در اسلام نظیر آنها ذکر نگردیده با کمال تحقیر رد گردید.

انذارات خطیره که نازل شد بر کبر و عجب آنان افزود احتجاجات آنحضرت با بی اعتنائی تلقی و عقوبت هائی را که پیشگوئی فرمود تمسخر نمودند . بنا بر این باید دید در مقابل این انکار و تحقیر چه واقع شد و مخصوصاً در سالهای اخیر قرن اول دیانت بهائی قرنی که مشحون از بلایای گوناگون و اهانات شدید نسبت بامر مظلوم حضرت بهاءالله است چه واقع میشود ؟ امپراطوریه با خاک یکسان شد سلطنتها واژگون گردید سلسله های منقرض شد . مقام پادشاهان لکه دار گردید . سلاطین مقتول و مسموم و اسیر گردیده و در قلهرو حکمرانی خود مغلوب و مقهور شدند و تخت و تاج هائی که هنوز باقی است از اثر سقوط پادشاهان دیگر متزلزل میباشد.

میتوان گفت این جریانات عظیم و مهیب از آن شب تاریخی شروع شد که در یک گوشه گمنام شیراز حضرت باب در حضور اول من آمن اولین فصل تفسیر معروف یوسف (قیوم - الاسماء) را نازل فرمود و بوسیله آن ندای خود را بسمع سلاطین و امرای ارض رسانید و چون بیانات حضرت بهاءالله که لازال در سوره هیکل مودوع و باقی است و سقوط عجیب ناپلئون سوم و حبس اختیاری پاپ پی نهم در واتیکان در آن پیشگوئی شده بود تحقق پیوست آن جریانات از عالم کون بمرحله شهود آمد . در ایام حضرت عبدالبهائ هنگامی که جنگ اخیر منجر بانقراض سلسله رومانف و هوهانزلرن و هابسبورگ گردید و سلطنت مقتدره و مجلشان مبدل بجمهوری شد اثرات شدید تر و نمایانتر گردید . پس از صعود حضرت عبدالبهائ در اثر اضمحلال سلطنت قاجاریه در ایران و انقراض سلطنت عثمانی و خلافت جریان آن سریعتر گردید هم اکنون اگر بسنوشتی که در این جنگ عظیم و هائل برای تاجداران قاره اروپا مقدر گردیده بدقت بنگریم بخوبی معلوم میگردد که آن جریان بگردش خود باقی است و آنانکه بیغرضانه بمظاهر مختلفه این انقلابات و جریانات بیرحمانه و سریع مینگرند باین نتیجه خواهند رسید که این صد سال اخیر تا آنجا که بسرنوشت سلاطین ارتباط داشته یکی از پر آشوبترین ادوار تاریخ بشریت بشمار میرود.